

حقوق خصوصی

دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

صفحات ۲۳۷ - ۲۱۱

بررسی ابعاد حقوقی گارانتی

پژمان محمدی^{۱*}، قادر شنیور^۲

۱. دانشیارگروه حقوق، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

چکیده

در میان خدمات پس از فروش، تعهد به تعویض و تبدیل کالای ناقص یا معیوب (گارانتی) جایگاه ویژه‌ای دارد. تعهد مزبور ممکن است در قالب شرط ضمن عقد یا قرارداد مستقل مطرح شود. درباره مشروعیت آن به دلیل غرری بودن، تردیدهایی وجود دارد، ولی صحت و مشروعیت آن با تکیه بر دلایل صحت عقود و شروط اثبات‌شدنی است. بررسی ابعاد حقوقی گارانتی و تحلیل فنی آن، انطباق آن بر عقود و قراردادهای را ضروری می‌کند. حقوق دانان درباره ماهیت حقوقی گارانتی اختلاف نظر دارند. تحلیل‌هایی در قالب عقود مانند جعالة خاص، بیمه و عقد مستقل مطرح می‌شود. با وجود این، فرضیه مستقل بودن ماهیت حقوقی گارانتی به طبیعت و ماهیت آن نزدیک‌تر است.

واژگان کلیدی

بیمه، تعهدات گارانتی‌دهنده، جعالة خاص، گارانتی، ماهیت حقوقی.

پژمان محمدی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از ساخت کالا تا رسیدن آن به دست مشتری، مدت به نسبت طولانی طی می‌شود. در این میان، ممکن است کالا معیوب یا ناقص شود یا اساساً معیوب تولید شود. در حقوق موضوعه و رویه قضایی بسیاری از کشورها پذیرفته شده است که فروشنده مسئول صحت و سلامت کالا پیش از تحویل آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۳). با وجود این، امروزه تولیدکنندگان و سازندگان کالا با درج شرطی با عنوان «گارانتی در ضمن قرارداد»، دامنه مسئولیت خویش را به عیوب پس از تحویل کالا نیز گسترش می‌دهند. البته مسئولیت یادشده به معنای پیدایش خیار عیب یا حق مطالبه ارزش کالای معیوب نیست، بلکه حق تبدیل و اصلاح کالای معیوب است که پیشینه‌ای در فقه و حقوق موضوعه ندارد. حق یادشده، خواه به طور شرط ضمن عقد، یا در قالب عقدی مستقل درج شود، ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله قاعداً به مدت زمانی خاص محدود می‌شود و به طور استثنا، مادام‌العمر (عمر مفید کالا) است؛ همچنین، جنبه احتمالی دارد، کیفیت اجرای آن نیز نامعلوم است و آمیزه‌ای از تعهد (اصلاح کالا) و تملیک (تبدیل کالا) است. همه ویژگی‌های یادشده، قرارداد یا شرط مزبور را منحصر به فرد و استثنایی می‌کند.

گارانتی از موضوعات نوین دنیای کنونی است که سابقه و پیشینه‌ای در فقه و حقوق موضوعه ندارد. با وجود این، از نظر اجتماعی با اقبال عمومی جامعه مواجه شده است، به طوری که عامه مردم آمادگی پذیرش و اجرای آن را دارند. ترویج و گسترش آن در معاملات کنونی جامعه ما، ضرورت تحلیل حقوقی آن را بیش از پیش نشان می‌دهد. به عبارتی، «استخدام فرهنگ‌های بیگانه، و جذب و ذوب آن‌ها در درون ارزش‌های اخلاقی و مذهبی نه تنها شایسته مذمت نیست، یک ضرورت است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۸).

در نوشته‌های پیشین فقط مسائلی مانند خیار عیب، شرط تبری از عیوب، شرط تضمین سلامت و جز آن تبیین شده است و ماهیت این نهاد جدید بر نهادهای سنتی منطبق نشده است. در حالی که صرف نظر از معمول بودن این عقد در کشور ما، در برخی موارد ملاحظه می‌شود شرکت‌های عرضه‌کننده گارانتی به تعهدات خود پایبند نیستند و دادرسی نیز در صورت طرح پرونده درباره

شرط گارانتی یا قرارداد گارانتی، ناگزیر به تطبیق آن با قوانین موضوعه است. همه این مسائل اجرای پژوهشی جامع در این زمینه را ضروری می‌کند.

جهان معاصر پیوسته در حال تغییر و تحول است و بر این اساس، تصویب قوانینی پویا و متناسب با شرایط اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. در سالان اخیر، قوانین و آیین‌نامه‌هایی در زمینه گارانتی تصویب شده است. برخی از این قوانین عبارت‌اند از قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۹.

تحلیل و تفسیر گارانتی و بررسی ابعاد حقوقی آن مسائلی را مطرح می‌کند؛ از جمله ماهیت حقوقی این نهاد چیست؟ آیا می‌توان آن را مصداق یکی از نهادهای شناخته‌شده و سنتی مانند تعهد به فعل ثالث، بیمه، خیار عیب و جز آن دانست؟ اگر پاسخ مثبت باشد، اعمال قواعد نهاد شناخته‌شده بر گارانتی دشوار نیست، اما اگر منفی باشد، تبیین ماهیت ویژه گارانتی فقط با بیان ویژگی‌ها و اجزای گارانتی و تعریف آن ممکن است. این نوشتار با موضوع «بررسی ابعاد حقوقی گارانتی» شامل سه قسمت است. در قسمت نخست، گارانتی شناسایی می‌شود؛ در قسمت دوم، مشروعیت آن بررسی شده و در قسمت سوم، ماهیت حقوقی آن تحلیل می‌شود.

شناسایی گارانتی

شناخت هر امری به تحقق چند مقدمه نیازمند است. تعریف و تبیین ویژگی‌های اجزا و عناصر، تعریف انواع قابل تصور و مقایسه آن با مفاهیم و نهادهای مشابه. درباره گارانتی نیز بررسی این مقدمات اجتناب‌ناپذیر است. در پرتو مباحث یادشده می‌توان جوهره واقعی این نهاد را مشخص کرد و ضرورت وجود مستقل آن را پذیرفت یا رد کرد.

مفهوم گارانتی

شناسایی مفهوم گارانتی و آگاهی از محتوای آن مقدمه‌ای برای تحلیل و تفسیر ماهیت حقوقی آن است. بر این اساس، نخست مفهوم لغوی و سپس، مفهوم اصطلاحی آن را بیان می‌کنیم.

مفهوم لغوی گارانتی

گارانتی^۱ در لغت به معنای ضمانت و تضمین است (شهوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). تضمین نیز به معنای غرامت بر عهده گرفتن، توان دادن و چیزی را در ظرفی قراردادن است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۳۴۸). گارانتی در یکی از فرهنگ‌ها این طور معنا شده است: «تعهد معمولاً کتبی که کاری انجام خواهد شد یا چیزی کیفیت مشخصی دارد.» (Hornby, 1999, p.527). حقوق دانان و صاحب نظران کشورهای عربی اصطلاح «عقدالصیانه» را درباره گارانتی به کار برده‌اند. کلمه صیانه بر وزن فعاله و به معنای حفظ، نگهداری و پاسداری است (رازی، بی تا، ص ۵۳۶؛ فیومی، بی تا، ص ۱۷۰).

مفهوم اصطلاحی گارانتی

معنای اصطلاحی گارانتی با معنای لغوی آن نزدیکی زیادی دارد به طوری که در تعریف آن بیان شده است: «توافقی میان شرکت یا متخصص و مالک در عقدی مستقل یا شرط ضمن عقد به منظور انجام دادن خدمات تداوم و تعمیر مال در مدت مشخص و در مقابل اجرت معین...» (ترابی، بی تا، ص ۱) یکی از نویسندگان شرط گارانتی در ضمن عقد بیع را «شرط تضمین و دوام کالا از سوی تولیدکننده» تعریف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۸۷). ماده ۴۴۳ قانون مدنی آلمان به گارانتی عنوان «تضمین کیفیت و دوام» می‌دهد و بیان می‌کند: «... فروشنده یا شخص ثالث، کیفیت مبیع یا اینکه مبیع کیفیت خاصی را برای مدت معینی داراست را تضمین کند (تضمین دوام)....»^۲.

1. Guarantee.

۲. در حقوق فرانسه گارانتی در مفهوم تضمین به کار گرفته می‌شود و شامل تضمین سلامت از عیوب پنهانی و تضمین مطابقت (garantie de conformite) می‌شود و در معنای به کار گرفته شده در این تحقیق کاربرد ندارد. برای توضیح بیشتر رک:

(Mainguy, 2008, 1558 Le Tourneau, 2011, 1417ete+seq-)

مجمع فقه اسلامی (در جلسه یازدهم در منامه بحرین) در تعریف گارانتی بیان کرد: «قرارداد گارانتی، قراردادی نوین و مستقل است که احکام عامه عقود بر آن مترتب می‌گردد... و در حقیقت عقدی معوض است که به موجب آن یکی از طرفین در برابر عوض معلوم و در مدت معین ملتزم به بررسی و اصلاح مورد نیاز مقطعی یا ناگهانی در دستگاه یا شیئی دیگر است» (السالوس، ۱۴۲۹، ص ۷۵۶). بند سوم ماده یک قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در تعریف ضمانت‌نامه بیان می‌کند: «ضمانت‌نامه کالا یا خدمات سندی است که تولیدکننده، واردکننده، عرضه‌کننده یا تعمیرکننده هر دستگاه فنی به خریدار یا سفارش‌دهنده کالا و خدمات می‌دهد تا چنانچه ظرف مدت معین عیب یا نقص فنی در کالای فروخته شده یا خدماتی که انجام گردیده مشاهده شود، نسبت به رفع عیب، یا تعویض قطعه یا قطعات معیوب و یا دستگاه بدون اخذ وجه و یا پرداخت خسارات وارده اقدام کند.»^۱

با توجه به تعریف‌های یادشده، می‌توان گارانتی را این طور تعریف کرد: «توافقی (اعم از شرط ضمن عقد یا مستقل از عقد اصلی) که به موجب آن شخصی به نام گارانتی‌دهنده (به طور معمول، سازنده کالا) در برابر شخص دیگری به نام گارانتی‌گیرنده متعهد می‌گردد چنانچه کالا یا خدمات مورد معامله در مدت زمانی مشخص یا مادام العمر (منظور عمر مفید کالا است) دچار عیب، ایراد یا نقصی گردد آن را اصلاح یا تعمیر نماید یا چنانچه دارای عیب اساسی باشد آن را با کالایی مشابه تعویض نماید.»^۲

۱. همچنین، بند ۳ ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو اعلام می‌کند: «تصمیم یا ضمانت به مجموعه خدمات تعهدشده اعم از تأمین قطعات، خدمات فنی استاندارد یا تعویض خودرو اعلام شده از طرف عرضه‌کننده به مصرف‌کننده مطابق مفاد این آیین‌نامه اطلاق می‌شود که در یک دوره زمانی یا طی مسافت مشخصی انجام آن‌ها به طور رایگان از سوی عرضه‌کننده تأمین می‌شود.»

۲. اگر چه گارانتی‌دهنده متعهد به تبدیل یا تعویض کالای معیوب می‌گردد با وجود این، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو از امکان باز پس گرفتن ثمن معامله سخن گفته است. ماده ۴ این قانون اعلام می‌کند: «چنانچه نقص یا عیب قطعات ایمنی خودرو در طول دوره ضمانت پس از سه بار تعمیر یا در صورتی که نقص یا عیب قطعاتی که موجب

بر اساس تعریف یادشده، نخست، گارانتی به عقد بیع اختصاص ندارد. بنابراین، ماجر در عقد اجاره می‌تواند متعهد به کالای مورد اجاره شود؛ دوم، کالای مورد گارانتی خصوصیتی ندارد و ممکن است مالی مفروز یا مشاع، کالایی صنعتی یا تجارتي باشد؛ سوم، گارانتی دهنده ممکن است احد متعاملین یا شخصی غیر آن‌ها باشد؛ چهارم، گارانتی ممکن است شرط ضمن عقد یا قراردادی مستقل از عقد اصلی باشد و پنجم، تعهد گارانتی‌دهنده فقط تعویض یا تبدیل کالای معیوب است، نه جبران خسارت ناشی از عیوب تولید^۱.

ارکان و عناصر گارانتی

گارانتی ارکان و عناصری دارد که عبارت‌اند از:

الف) گارانتی دهنده:^۲ شخصی است که بر اساس توافق، به اصلاح و تعویض کالایی مشخص متعهد می‌شود. این توافق ممکن است در قالب شرط ضمن عقد (شرط ضمن عقد بیع)، یا توافقی مستقل از عقد اصلی صورت پذیرد و معمولاً به ضمانت‌نامه معروف است. نباید گارانتی‌دهنده همان فروشنده یا عرضه‌کننده خدمات باشد، همچنین، ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد. در فرضی که شخصی غیر از فروشنده گارانتی را بر عهده می‌گیرد، لزوماً باید طرف قرارداد گارانتی باشد یا اینکه فروشنده با اختیار از طرف وی متعهد شود. ماده ۳ قانون حمایت از

احتمال صدمه جسمی یا جانی اشخاص گردد و با یک بار تعمیر برطرف نشده باشد یا خودرو بیش از سی روز به دلیل تعمیرات غیرقابل استفاده بماند، عرضه‌کننده مکلف است حسب درخواست مصرف‌کننده خودروی معیوب را با خودروی نو تعویض یا با توافق، بهای آن را به مصرف‌کننده مسترد دارد.»

۱. ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو اعلام می‌کند: «هرگونه عیب و نقص و خسارات جانی و مالی وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث که به دلیل تعویض یا نصب قطعات و سیستم‌های جانی و یا دریافت خدمات خارج از شبکه رسمی و مجاز عرضه‌کننده، توسط مصرف‌کننده طی دوران ضمانت ایجاد شود از شمول این قانون خارج است و هیچ‌گونه حقی برای مصرف‌کننده و اشخاص ثالث در برابر عرضه‌کننده ایجاد نمی‌کند.»

2. Guarantor.

مصرف‌کننده بیان می‌کند: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان مکلف‌اند: ضمانت‌نامه‌ای را که در بردارنده مدت و نوع ضمانت است همراه با صورتحساب فروش که در آن قیمت کالا یا اجرت خدمات و تاریخ عرضه درج شده باشد، به مصرف‌کنندگان ارائه نمایند...». با وجود این، باید در نظر گرفت که چنین ضمانت‌نامه‌ای مطلق نیست و گارانتی‌دهنده می‌تواند برخی موارد را از شمول گارانتی خارج کند. برای مثال، معمولاً استهلاک قطعات مصرفی، خسارت ناشی از عوامل بیرونی، خسارت ناشی از سهل‌انگاری مصرف‌کننده، عیوب ناشی از عدم سرویس دوره‌ای و به‌کارگیری نادرست و صدمات ناشی از عوامل طبیعی مشمول گارانتی نمی‌شوند.^۱ گارانتی برای گارانتی‌دهنده فایده‌هایی دارد از جمله آگاهی از عیوب احتمالی کالاها یا خدمات خویش و تلاش برای ارتقای کیفیت آن (دیانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸)، که در بلندمدت بر افزایش تولید و درآمد حاصل از ارتقای کیفیت و دوام محصولات تأثیر می‌گذارد. همچنین، افزایش اعتبار تجاری در بازار، به دلیل برطرف کردن سریع عیب و جلب اعتماد مصرف‌کنندگان (دیانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸)، فروش بهتر کالاهای مورد گارانتی و جلب مشتریان جدید و حفظ ارتباط مستمر با مشتریان و در نتیجه، تشویق آن‌ها به استفاده از محصولات تولیدی از فایده‌های دیگر گارانتی برای گارانتی‌دهنده است.

ب) گارانتی‌گیرنده: ممکن است شخصی حقیقی یا حقوقی باشد. همچنین، ممکن است طرف مستقیم قرارداد باشد یا خریدار متعاقب مال یا وراثت خریدار اول یا خریدار بعدی. بند اول از ماده یک قانون حمایت از مصرف‌کنندگان بیان می‌کند: «مصرف‌کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند». بر این اساس، گارانتی‌گیرنده شخصی است که بر اساس توافق، از مزایای گارانتی بهره‌مند می‌شود. البته گارانتی‌گیرنده در مدت زمانی معین از مزایای گارانتی بهره‌مند می‌شود. مدت مزبور ممکن است ظرف زمانی معین (مانند دو ماه) یا

۱. قانون‌گذار نیز ممکن است برخی موارد را از شمول گارانتی خارج کند. برای مثال تبصره ۵ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو بیان می‌کند: «تعمیر خودرو یا تعویض قطعات ناشی از خسارت حادثه یا تصادف به وجود آمده که به علت ایرادات فنی خودرو نباشد، مشمول ضمانت نمی‌شود».

مسافت مشخص (طی کردن ۲۰۰۰ کیلومتر درباره خودرو) باشد، یا متناسب با عمر کالا تعیین شود.^۱ به هر حال، مدت به طور معمول از زمان تحویل کالا به اولین مشتری آغاز می‌شود. البته تولیدکنندگان به طور معمول، کارت‌هایی را صادر می‌کنند و در اختیار مشتریان قرار می‌دهند تا آنان با ارائه کارت مزبور از مزایای گارانتی بهره‌مند شوند. گارانتی‌گیرنده ممکن است بد اول باشد، یا ایادی بعدی. صرف انتقال مبیع یا ثمن اگر عین باشد به ایادی بعدی تأثیری در مسئولیت گارانتی‌دهنده ندارد. گارانتی برای گارانتی‌گیرنده نیز فایده‌هایی دارد از جمله گارانتی هزینه‌های گارانتی‌گیرنده را کاهش می‌دهد، زیرا براساس قرارداد گارانتی، افراد متخصص در مدت زمان معین کالای معیوب و ناقص را اصلاح می‌کنند در حالی که به خدمت گرفتن افراد مورد نظر (خارج از عقد گارانتی)، هزینه‌های بیش‌تری را برای گارانتی‌گیرنده در بر دارد (جوهری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶) و چه بسا، از نظر عدم تخصص یا بی‌تجربگی یا بی‌اطلاعی از ساختار و کارکرد مورد معامله اشکال‌های جدید جدی به وجود آورند. همچنین، پاره‌ای از کالاها و دستگاه‌ها فناوری پیچیده‌ای دارند و برطرف کردن عیوب فنی آن‌ها فقط توسط تولیدکننده امکان‌پذیر است. گارانتی این امری را میسر می‌کند.

تمایز گارانتی از عنوان‌های مشابه

اگرچه گارانتی از ضرورت‌های زندگی امروزی است، ریشه در برخی نهادهای شناخته‌شده سستی

۱. ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو اعلام می‌کند: «حداقل دوره تضمین برای خودروهای سبک (سواری، وانت، دو دیفرانسیل و ون) از تاریخ تحویل به مصرف‌کننده دو سال یا کارکردی برابر ۴۰۰۰۰ کیلومتر است، هر کدام زودتر فرا برسد و برای خودروهای وارداتی پنج سال یا ۱۵۰۰۰۰ کیلومتر است و هر کدام زودتر فرا برسد، و برای خودروهای سنگین (مینی‌بوس، میدی‌باس، اتوبوس، کامیونت، کامیون و کشنده) از تاریخ تحویل به مصرف‌کننده سه سال یا کارکردی برابر ۲۰۰۰۰۰ کیلومتر است، هر کدام زودتر فرا برسد، و برای موتورسیکلت از تاریخ تحویل به مصرف‌کننده شش ماه است... تبصره ۲- ضمانت رنگ برای خودروهای سبک حداقل سه سال و برای خودروهای سنگین حداقل هجده ماه است.»

دارد. این ارتباط به چه معناست؟ آیا می‌توان با به‌کارگیری مفاهیمی مانند خیار عیب، شرط تضمین سلامت و ضمان درک خود را از گارانتی بی‌نیاز دانست؟

خیار عیب

گارانتی و خیار عیب وجوه مشترکی دارند که عبارت‌اند از نبود وصف سلامت در کالا به مشتری حق فسخ یا مطالبه ارزش می‌دهد. مشتری می‌تواند با اعمال یکی از دو حق از خود دفع ضرر کند. در گارانتی نیز برگشت کالا به فروشنده به دلیل بروز عیب و نقص فنی است. گارانتی‌گیرنده می‌تواند از حق خود صرف‌نظر کند. مشتری هم حق دارد خیار عیب خویش را ساقط کند. معیار تمیز کالای معیوب در بیع و گارانتی معیاری نوعی است و بر حسب زمان و مکان مختلف است. ماده ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مقرر می‌کند «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند. اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است، پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است.» با این وجود، تفاوت‌هایی میان گارانتی و خیار عیب وجود دارد؛ ضمانت اجرای خیار عیب فسخ عقد یا مطالبه ارزش است و اعمال این حقوق فوریت دارد، اما در گارانتی مشتری می‌تواند خواستار تبدیل و تعویض کالا باشد و اعمال حقوق مزبور با تأخیر هم امکان‌پذیر است. همچنین، برگشت کالا در خیار عیب با فسخ عقد و در گارانتی با بقای عقد است. گارانتی، نیز ناظر به عیوب پس از قبض است، اما خیار عیب ویژه عیوب قبل از قبض است. خیار عیب در همه اموال جریان دارد، ولی گارانتی معمولاً در اموال منقول است. خیار عیب در مواردی ساقط می‌شود، ولی گارانتی تا پایان مدت باقی است. گارانتی به توافق مستقل نیاز دارد. خیار عیب به صرف بیع حاصل می‌شود. گارانتی به سود خریدار است، خیار عیب به هر دو طرف عقد

معوض داده می‌شود. یکی از استادان معتقد است: «بروز نقص فنی در دوران تضمین در دید عرف عیب نیست و چون بعد از عقد و تسلیم کالا عارض می‌شود، خیار عیب به وجود نمی‌آورد، لیکن، فقدان وصف دوام سلامت ممکن است به مقتضای شرط، خیار فسخ ایجاد کند یا التزام به رفع عیب برای فروشنده ایجاد کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۸۷). همچنین، گفته شده است که اگر عیب حادث نتیجه عیب قدیم باشد، مشتری فقط حق تعویض و تبدیل کالای معیوب را دارد (براساس شرط گارانتی)، نه حق اعمال فسخ به دلیل خیار عیب (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۸۷). با وجود این، به نظر می‌رسد که اگر در قراردادی شرط گارانتی شده باشد و پس از قبض در کالای معیوب عیبی ایجاد شود که نتیجه عیب قدیم باشد، مشتری مخیر است که با توجه به عیب کالا، معامله را فسخ یا مطالبه ارزش کند، یا با توجه به گارانتی کالا تبدیل و تعویض کالای معیوب را درخواست کند. نظری در این زمینه وجود دارد که تأییدکننده این نظر است.^۱

شرط تضمین سلامت

بایع به تسلیم مبیعی سالم و بی‌نقص به مشتری متعهد است. این تعهد ناشی از شرط ضمنی میان بایع و مشتری است که طبق آن، مبیع باید بی‌عیب باشد، در غیر این صورت، بایع باید خسارت ناشی از عیب مبیع به مشتری را جبران کند. به عبارت دیگر، تعهد بایع نسبت به ایمن و سالم بودن مبیع تعهد به نتیجه است و فقط قوه قاهره می‌تواند او را از مسئولیت مبرا کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۰). این شرط ممکن است به طور صحیح، در قرارداد قید شود و بایع به طور صحیح،

۱. شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران در دادنامه شماره ۱۶۲۶-۱۶۲۵، مورخ ۸۳/۱۲/۲۴ رأی داده است: «نظر به مندرجات پرونده، چون براساس ماده ۴۱۵ قانون مدنی خیار تخلف از وصف فوری است و با عنایت به فتوکپی مصدق برگ گارانتی عرضه شده از سوی دادگاه تجدید نظر، خواه کالای مورد معامله (دستگاه فلزیاب) در تاریخ ۸۰/۵/۲ گارانتی تعویض نموده است و نامبرده به جهت فسخ معامله انجام شده در تاریخ ۸۱/۱۰/۲ اقدام به طرح دعوی نموده است. بر این اساس دادگاه تجدید نظر به علت طرح دعوی خارج از مدت متعارف برای اعمال حق خیار فسخ معامله و به لحاظ اسقاط آن اعتراض تجدید نظر خواه را وارد دانسته است...» (زندى، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

سلامت مورد معامله را تضمین کند. در حقوق آمریکا، اصطلاح «وارانتی»^۱ برای این نوع مسئولیت به کار گرفته می‌شود و طبق قانون تجارت متحدالشکل آمریکا (UCC)^۲ دو نوع است، وارانتی صریح^۳ و وارانتی ضمنی^۴. وارانتی صریح برگرفته از اراده طرفین است و به طور صریح، در قرارداد قید شده است (۲-۳۱۳)^۵ ولی هرگاه بایع وجود صفتی خاص را در کالا ناشی از شروط ضمنی قرارداد متعهد شود و هیچ‌گونه توافق و قول قبلی وجود نداشته باشد، وارانتی ضمنی است. این وارانتی به دو دسته تقسیم می‌شود، ۱. وارانتی ضمنی مربوط به کیفیت محصول^۶؛ ۲. وارانتی ضمنی قابلیت محصول برای کاربرد مورد نظر^۷ (Calamari & Perillo, 2007, pp.991-992).

بنابراین، در هر دو قرارداد (گارانتی و شرط تضمین سلامت)، فروشنده یا تولیدکننده سلامت مورد معامله را برای کاربرد مورد نظر تضمین می‌کند و در هر دو نهاد تعهدات اضافه بر دوش وی به سود مصرف‌کننده مستقر می‌کند.

در قرارداد یا شرط گارانتی نیز، بایع به طور ضمنی به تحویل کالایی سالم و بی نقص متعهد است. با وجود این، باید در نظر گرفت که تعهد بایع در قرارداد گارانتی، تبدیل یا تعویض کالای معیوب است، نه جبران خسارت ناشی از به کارگیری کالای معیوب. در واقع، در گارانتی خریدار (در صورت معیوب بودن کالا) می‌تواند طبق تعهدات قراردادی (شرط یا قرارداد گارانتی) تعویض و تبدیل کالای معیوب را مطالبه کند، در حالی که مطالبه خسارت ناشی از معیوب بودن کالا در

1. Warranty

2. Uniform Commercial Code

3. Express Warranty

4. Implied Warranty

5. 2-313:4 express warranties by seller are created as follows: (a) any affirmation of fact or promise made by seller to the buyer with relate to good and become part of the basis of the bargain creates an express. Warranty shall conform to the affirmation or promise.

6. Implied warranty of merchant ability: a warranty that good shall be merchantable is implied in a contract for their sale if the seller is merchant to good of (2-314).

7. Implied warranty: Finesse for particular: where the seller at time of contraction has reason to know any particular purpose for which the good are required and that buyer is relying on the seller's skill or judgment to select or furnish suitable good there is unless. Exclude or modified under the next section implied warranty that the good be fit for such purpose.

زمره قواعد ضمان قهری قابل مطالبه است. ضمانت اجرای شرط تضمین سلامت، ایجاد خیار فسخ به سود مشروطه می‌باشد. در حالی که نتیجه اولیه گارانتی رفع عیب یا تعویض مورد معامله بدون بر هم خوردن عقد است. علاوه بر این، معمولاً سلامت مورد معامله (در شرط تضمین سلامت) به‌هنگام انعقاد عقد سنجیده می‌شود، ولی گارانتی به دوره خاصی از بهره‌برداری از مورد معامله محدود می‌شود. همچنین، باید توجه کرد شرط تضمین سلامت به‌عنوان شرطی ضمنی در قرارداد، ظرفیت بالایی دارد و با توجه به اینکه می‌توان هر شرطی را که مخالف قواعد آمره نباشد به‌عنوان یک شرط در عقد درج کرد، امکان درج تمام شروط گارانتی در عقد وجود دارد.

قرارداد به‌روزرسانی^۱

قرارداد به‌روزرسانی قراردادی است که به‌موجب آن یکی از طرفین قرارداد در برابر طرف دیگر متعهد می‌شود در صورت ایجاد فناوری نوین در محصولات تولیدی، آن را به کالای مورد معامله اضافه کند. این کار ممکن است با اضافه‌کردن قطعه‌ای در دستگاه یا نصب برنامه یا نرم‌افزار جدید انجام گیرد. در مقابل، طرف دیگر به پرداخت بهای قطعه یا نرم‌افزار جدید متعهد می‌شود. این قرارداد مانند قرارداد گارانتی، از نوع خدمات پس‌ازفروش کالا است که خریدار کالا در شرایطی می‌تواند از آن بهره‌مند شود. با وجود این، این دو قرارداد تفاوت‌هایی دارند، اول، در قرارداد به‌روزرسانی، برخلاف گارانتی، بهای به‌روزرسانی در هنگام انعقاد عقد نامعلوم است و به‌طور معمول، در هنگام اجرای تعهد پرداخت می‌شود (قحف، بی‌تا، ص ۱۲)؛ دوم، در قرارداد گارانتی خریدار در صورت معیوب شدن کالا، می‌تواند خواستار تعمیر و تعویض کالای معیوب باشد، اما در قرارداد به‌روزرسانی، خریدار در صورت ورود فناوری جدید به بازار می‌تواند خواستار به‌روزرسانی کالا باشد هرچند نداشتن فناوری جدید عیب نباشد؛ سوم، در قرارداد گارانتی اگر مصرف‌کننده نخواهد از مزایای گارانتی بهره‌مند شود، امکان به‌کارگیری متعارف مال را از دست

1. Updating contract

می‌دهد، ولی در قرارداد به روزرسانی ممکن است کالا کارکرد متعارف خود را نیز حفظ کند و سال‌ها مورد استفاده قرار بگیرد؛ چهارم، معمولاً مدت تعهدات گارانتی محدودتر از تعهد به-روزرسانی کالا است.

مشروعیت گارانتی

این گفتار به مشروعیت گارانتی اختصاص داده شده و دو بند دارد، در بند اول، مبانی گارانتی را بررسی می‌کنیم و در بند دوم، موانع احتمالی بطلان گارانتی را تحلیل می‌کنیم.

مبانی گارانتی

گفته شد یکی از روش‌های جلب مشتریان عرضه خدمات گارانتی کالا است. عرضه خدمات گارانتی نقطه مقابل تبری جستن از عیوب است که موجب گسترش مسئولیت فروشندگان می‌شود. اما درباره فلسفه گسترش مسئولیت مزبور، این پرسش مطرح است که چرا فروشندگان مسئولیت خویش را گسترش می‌دهند؟ در این زمینه دو فرض مطرح است:

الف) تضمین صحت و سلامت کالا: فروشندگان با اعلام آمادگی خویش برای عرضه گارانتی، به طور ضمنی اعلام می‌کنند صحت و سلامت کالای مورد معامله را در برابر هر گونه نقص احتمالی تضمین می‌کنند. یعنی کالای مورد معامله در مدت زمان خاص دچار هیچ گونه نقص احتمالی نمی‌شود و فروشنده مطمئن است که با صرف هزینه‌های شخصی عیوب مزبور را بر طرف کند. بنابراین، گارانتی به معنای تضمین صحت و سلامت کالا است.

ب) جبران ضرر وارد شده: بروز نقص در زمان گارانتی کالا موجب زیان خریدار می‌شود. خریدار ناگزیر به تحمل هزینه‌هایی برای جبران خسارت وارده است. چنین امری از طریق تعویض یا تبدیل کالای معیوب صورت می‌پذیرد. فروشنده با اعلام گارانتی محصولات خویش به طور ضمنی اعلام می‌کند آمادگی دارد در صورت ضرر، زیان وارده بر مشتری را جبران کند. این امر اقرار ضمنی به امکان بروز ضرر در کالا است.

به‌طور کل به نظر می‌رسد، هر دو نظر افراطی‌اند. در نقد نظریه نخست می‌توان گفت اگر کالا

صحت و سلامت کافی داشته باشد و هیچ نقص احتمالی در آن پیدا نشود، دیگر نیازی به تضمین آن نیست. بنابراین، صدور گارانتی به معنای تضمین صحت کالا نیست. در نقد نظریه دوم نیز، می‌توان گفت گارانتی به طور معمول، در کالاهای نو و تجملی برقرار می‌شود و هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که فروشنده با صدور گارانتی به امکان بروز نقص در آن‌ها اقرار می‌کند. در حقیقت، صدور گارانتی کالا تعهدی اضافی است که فروشنده برای خویش در نظر می‌گیرد و عاملی برای جلب مشتریان است و وی برای تحقق این منظور دامنۀ تعهد خویش را افزایش می‌دهد. در غیر این صورت، هیچ فروشنده‌ای صحت کالای خویش را تضمین قطعی نمی‌کند. همچنین، هیچ‌گاه امکان بروز عیب احتمالی را اقرار نمی‌کند.

موانع احتمالی بطلان گارانتی

درباره امکان بطلان گارانتی دو مانع اساسی عبارت‌اند از گارانتی مادام‌العمر و نامعلوم بودن تعهدات گارانتی‌دهنده.

الف) گارانتی مادام‌العمر: مشاهده می‌شود گارانتی‌دهنده در برخی موارد به مدت عمر مفید کالا، به اصلاح یا تعویض کالا متعهد می‌شود. ممکن است این تردید ایجاد شود که التزام به انجام دادن امری باید مقید به مدت زمان خاصی باشد و هیچ‌کس را نمی‌توان تا مدت زمان نامعلومی متعهد دانست. گارانتی مادام‌العمر نیز گارانتی مجهول است که بدون مدت است. با وجود این، به نظر می‌رسد که ایراد یادشده قابل رفع است، عمر مفید کالا را نمی‌توان مدت مجهولی در نظر گرفت. مدت مزبور، مدتی است که معمولاً قابل تعیین است و از نظر منطقی و اصولی، هر کالایی مدت زمان معقول و متعارفی عمر می‌کند و پس از آن در اثر استهلاک از بین می‌رود. بنابراین، التزام به گارانتی کالا به مدت معین عرفی (مانند عمر کالا) معتبر و مشروع است.

ب) نامعلوم بودن میزان تعهدات گارانتی‌دهنده: گارانتی‌دهنده متعهد به تبدیل و اصلاح کالای مورد معامله در مدت زمانی معین است. در این میان، مقدار مواد و مصالح لازم برای اصلاح کالا، چگونگی و کیفیت اجرای تعهد (تعداد دفعاتی که کالا معیوب می‌شود و به تبدیل و تعویض احتیاج دارد) نامعلوم است. در واقع، در قرارداد گارانتی مشخص نیست گارانتی‌دهنده چند بار و

طی چه مدت زمانی باید کالای معیوب را تعویض یا اصلاح کند. یکی از نویسندگان معتقد است که لزوم رفع حرج از مردم و جریان قرارداد گارانتی در جامعه و اقتضای ضرورت موجب می‌شود جهل مزبور قابل مسامحه باشد (زحیلی، ۱۴۳۰، ص ۲۲۳-۲۲۲). با وجود این، باید توجه کرد شرط مزبور ابهام ندارد و از مصداق‌های جهل مضر نیست، زیرا شرط تضمین سلامت و کارکرد تضمینی برای مدت معینی در نظر گرفته می‌شود و مجهول‌بودن هزینه‌ها نیز خللی را به عقد وارد نمی‌کند. در واقع، در عقد منعقدشده شرطی وجود دارد که عرفاً امکان ایفای آن به نحو مطلوب و منطقی وجود دارد، زیرا نوع تعهد، زمان اجرای آن و کیفیت ایفای تعهد معلوم و مشخص است.

ماهیت حقوقی گارانتی

اشاعه و ترویج این قراردادها در عرف کنونی تفسیر و تحلیل ماهیت حقوقی آن‌ها را ضروری می‌کند. در رسیدگی‌های قضایی نیز در صورت مطرح شدن مسئله‌ای، دادرس ناچار از تفسیر و تحلیل قرارداد است. البته توصیف اعمال حقوقی صرفاً بر اساس عناوین آن‌ها نیست و به قصد مشترک متعاقدین مراجعه می‌شود. گارانتی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به‌منظور تبیین ماهیت حقوقی گارانتی، عقود از قبیل جعالة خاص، بیمه و عقد مستقل مطرح شده است. در این نوشتار، نخست عقود و قالب‌های متعددی را که ممکن است قرارداد گارانتی منطبق بر آن‌ها باشد، تحلیل می‌کنیم و پس از آن، با بررسی استدلال‌های مختلف، ماهیت حقوقی این قراردادها را تبیین می‌کنیم. این گفتار دو بخش دارد، در قسمت اول، شرط گارانتی و در قسمت دوم، گارانتی مستقل از عقد اصلی را تحلیل می‌کنیم.

گارانتی در قالب شرط ضمن عقد

عرضه خدمات پس‌ازفروش در راستای جلب مشتری موجب می‌شود در بسیاری موارد سازندگان

و تولیدکنندگان کالا شرط تضمین و دوام کالا (گارانتی) را ضمن عقد بیع درج کنند.^۱ وجود شرط مزبور در ضمن عقد بیع، این حق را به مشتری می‌دهد که در صورت بروز عیب و نقص در کالا به گارانتی‌دهنده مراجعه کنند و خواستار اصلاح آن شود. درج شرط گارانتی در ضمن عقد اصلی، به دو صورت امکان‌پذیر است، نخست، فروشنده کالا در ضمن عقد بیع به گارانتی متعهد شود که تعهدی فرعی در ضمن عقد اصلی است. و باید ایفا شود؛ دوم، شخص ثالثی غیر از فروشنده به گارانتی متعهد شود. در هر صورت، شرط گارانتی تابع عقد است و بقای آن وابسته به بقای عقد است و با انحلال عقد منحل می‌شود. در مشروعیت شروط مزبور نباید تردید کرد، در واقع، صحت چنین شرطی از طریق تمسک به آیات شریفه قرآنی «اوفوا بالعقود»^۲ و «تجاره عن تراض»^۳، همچنین، روایت مشهور نبوی «المؤمنون عند شروطهم» ثابت می‌شود.

مفاد بیع مقرون به شرط گارانتی ایجاد التزام گارانتی‌دهنده نسبت به تعویض و تبدیل کالای معیوب در برابر گارانتی‌گیرنده است؛ با وجود این، شخص ثالث نیز ممکن است که کالای مورد معامله را از گارانتی‌گیرنده خریداری و با استناد به قرارداد گارانتی برای رفع عیب و تعویض کالای معیوب به گارانتی‌دهنده مراجعه کند، به نظر می‌رسد قرارداد گارانتی‌دهنده و گارانتی‌گیرنده (بیع مقرون به شرط گارانتی) از مصادیق تعهد به نفع ثالث است (ماده ۱۹۶ ق.م) زیرا یکی از متعاقدين در ضمن معامله‌ای که منعقد کرده‌اند، ملتزم به انجام دادن کاری یا دادن مالی شده‌اند و ثالث نیز با

۱. مقنن گارانتی را درباره پاره‌ای از اعیان اجباری کرده است: ماده ۷ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو بیان می‌کند: «هر نوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین عرضه‌کننده، واسطه فروش با مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده بر طبق این قانون و یا ضمانتنامه صادره بر عهده دارد ساقط نماید یا به عهده واسطه فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر می‌باشد.»
تبصره - انعقاد هر نوع قراردادی که حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و مشمولین این قانون در آن رعایت نشود به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی و مورد مشابه غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است.»

۲. مانده: ۱

۳. نسا: ۲۹

بهره‌گیری از شرط مزبور حق مراجعه به متعهد (گارانتی‌دهنده) را دارد. مسئله‌ای که این امر را تقویت می‌کند این است که تعهد به نفع ثالث می‌تواند بدون تعیین ثالث ذی‌نفع باشد. لیکن به نظر می‌رسد باید این اندیشه‌ای را از ذهن زدود، زیرا اول، تعهد به نفع ثالث هنگامی منعقد می‌شود که متعاقدین به صراحت قصد ایجاد تعهد به نفع ثالث را داشته باشد و نفع ثالث هدف قرارداد باشد، نه اثر ساده عقد. قابلیت سودرساندن به ثالث برای ایجاد تعهد به نفع ثالث کفایت نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۲۷؛ شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۷). دوم، تعهد به نفع شخص ثالث مبتنی بر احسان است به طوری که مشروط و مشروط‌له شرطی را به قصد احسان و ایجاد حق برای ثالث درج می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۶۰). در حالی که در فرض حاضر قصد بایع و مشتری نه تنها احسان ثالث نیست بلکه، کاملاً برعکس، قصد ایجاد تعهد برای بایع است. شایان ذکر است در رویه قضایی ایران، آرای مبنی بر لازم‌الوفابودن شرط گارانتی وجود دارد.^۱

در حقوق انگلیس، برای امکان مراجعه مصرف‌کننده به سازنده کالا در بهره‌گیری مزایای گارانتی از قراردادهای جنبی یا ثانوی^۲ به کار گرفته می‌شود. بدین صورت که هنگامی که مشتری کالای دارای گارانتی را از بایع خریداری می‌کند، با وجودی که قرارداد اصلی میان بایع و مشتری است، فرض می‌شود یک قرارداد ثانوی و جنبی میان سازنده کالا و مشتری (درباره گارانتی کالا) وجود دارد و بر این اساس، مشتری حق مراجعه به سازنده کالا را دارد و می‌تواند براساس نقص عهد جنبی از سازنده کالا خسارت بخواهد (Edwin, 1995, p.534; Monahan, 2001, p.133).

۱. برای مثال در پرونده آقای (م.د) به طرفیت شرکت سهامی ایران خودرو به مطالبه تحویل یک دستگاه پژو آر دی سالم. خلاصه جریان پرونده بدین صورت است که فرد مزبور خودرویی را از شرکت سهامی ایران خودرو خریداری کرده بود. ولی اتومبیل مزبور در دوره گارانتی عیوب متعدد در موتور و گیربکس داشت و با مراجعه‌های مکرر وی شرکت نقص را رفع کرده است. وی در نهایت، دادخواستی را به طرفیت شرکت سازنده خودرو مطرح کرد و دادگاه نیز طی تعیین کارشناس به موجب دادنامه شماره ۶۸۲ ° ۸۱/۴/۱۰ به تحویل یک دستگاه پژو آر.دی بی نقص و عیب به خواهان را حکم می‌دهد.

2. Collateral Contracts

به علاوه، قسمت پنجم Uctā امکان تبدیل و تعویض کالای معیوب را با عنوان گارانتی کالای مصرفی مطرح کرده است. این احکام اعلام می‌کند مقررۀ یادشده فقط درباره گارانتی کالای مصرفی توسط «تولیدکننده» است و منصرف از گارانتی «بایع» و «موجر» است (Stone, 2002, p.248). همچنین، مطرح شد مصرف‌کننده متضرر تحت مقررۀ یادشده نمی‌تواند خسارت ناشی از به‌کارگیری کالای معیوب را مطالبه کند (مسئولیت تولیدکنندگان) (Stone, 2002, p.248). به علاوه، با وجود این که هدف مقررۀ یادشده حمایت از مصرف‌کننده است، فقط درباره کالاهایی است که مصرف‌کننده قصد استفاده شخصی دارد، نه استفاده تجاری و اقتصادی (Stone, 2003, p.145).

در حقوق آلمان، درباره کالاهای عمومی (بدون مارک شرکت خاص) که فروخته می‌شود، فرض است که فروشنده از لحاظ خطر موجود در کالا متعهد به گارانتی است. اما درباره کالاهای مصرفی بادوام به طور معمول، شخص ثالث (تولیدکننده) متعهد است و این تعهدی ماهیت بسیار وسیعی دارد و به نبود عیب هنگام انتقال خطر محدود نمی‌شود، و عیوب پس از انتقال خطر را در بر می‌گیرد و در این زمینه متمایز و منحصر به فرد است (ماده ۴۴۳ قانون مدنی آلمان)^۲ (Markeslnis et al., 2006, p.513).

گارانتی مستقل از عقد اصلی

درج گارانتی در قالب شرط ضمن عقد منافاتی با امکان استقلال آن از عقد اصلی ندارد. در واقع، همان‌گونه که متعاقدين می‌توانند در عقد بیع گارانتی را شرط کنند، حق انعقاد قرارداد گارانتی مجزا و مستقل از عقد اصلی را دارند. چنین عقدی از نظر طبیعت حقوقی، قراردادی تکمیلی تلقی می‌شود و تابع احکام و آثار قراردادها است. البته انعقاد قرارداد گارانتی مستقل از قرارداد اصلی ممکن است به دلایل متعددی صورت پذیرد، از جمله پس از انعقاد عقد اصلی مشتری با توجه به

1. Unfair Contract Terms Act 1977

۲. بند ۲ ماده ۴۴۳ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد: «تا حدی که تضمین دوام داده شده فرض بر آن است که عیب کیفیت مبیع که طی دوره ضمانت حادث می‌شود مطابق ضمانت، ایجاد حق می‌کند.»

کیفیت نامطلوب مبیع خواستار عرضه گارانتی از سوی بایع و انعقاد عقدی در این زمینه باشد. چنین عقدی از نظر تحلیلی، به عقود از قبیل جعله خاص و بیمه نزدیک است و قابلیت تطبیق بر عقود مزبور را دارد. بدیهی است که در صورت عدم انطباق عقود معین، این توافق، قراردادی مستقل است. از جمله مسائل قابل تأمل درباره گارانتی، فرضیه «تعهد یک‌جانبه‌بودن» یا «ایقاع» بودن گارانتی است که براساس آن، ضمانت‌نامه تعویض یا تبدیل کالا تعهدی است یک‌جانبه از جانب گارانتی‌دهنده که نیازی به قبول گارانتی‌گیرنده ندارد و عدم امکان تغییر در شرایط گارانتی توسط گارانتی‌گیرنده، دلالت بر این دارد که گارانتی ماهیتاً ایقاع است. با وجود این، به نظر می‌رسد این اندیشه بدون اشکال نیست، گارانتی‌دهنده با خرید کالا گارانتی کالا را قبول می‌کند. همان‌گونه که خریدار می‌تواند در برخی موارد کالایی را با گارانتی یا بدون گارانتی خریداری کند و قاعدتاً مبالغ آن نیز متفاوت خواهد بود و فروشندگان بهایی را برای ارائه گارانتی دریافت می‌کنند. پس چگونه می‌توان ادعا کرد که گارانتی تعهدی یک‌جانبه است؟ عدم امکان تغییر در شرایط گارانتی توسط گارانتی‌دهنده، بیانگر الحاقی بودن قرارداد مزبور است. نه ایقاع‌بودن ماهیت حقوقی آن.

جعله خاص

بعضی برای تحلیل ماهیت حقوقی گارانتی، جعله خاص را پیشنهاد داده‌اند، ابتدا مفاد نظریه، سپس آثار عملی توصیف را بیان می‌کنیم، در نهایت، انتقادهای واردشده بر نظریه را تحلیل می‌کنیم.

مفاد نظریه

تحلیل گارانتی در قالب عقد جعله بدین صورت است که گارانتی‌دهنده با عنوان عامل، و به موجب عقد جعله به تعمیر، تبدیل و اصلاح کالا متعهد می‌شود. سپس، گارانتی‌گیرنده به عنوان جاعل، به پرداخت جعل اجرت به وی مکلف می‌شود. به عبارت دیگر، در چنین حالتی، مفاد جعله تعمیر و اصلاح کالای معیوب و ناقص فروخته‌شده، با عنوان گارانتی است. مسئله‌ای که این اندیشه را تقویت می‌کند، وجوه اشتراک جعله خاص و گارانتی است، در عقد جعله بر خلاف

اجاره اشخاص، کیفیت‌های انجام عمل می‌تواند مجهول باشد، در گارانتی نیز میزان مواد لازم برای تعمیر کالا و کیفیت تعمیر ممکن است مجهول باشد. به علاوه، در گارانتی، گارانتی‌دهنده به تعمیر و تعویض کالا (انجام عمل) مکلف است، عقد جعاله نیز از عقود مربوط به عمل است. همچنین در عقد جعاله، هزینه‌های انجام عمل و اجرای تعهد بر عهده عامل است در گارانتی نیز هزینه‌های تعمیر و تعویض کالا با گارانتی‌دهنده است (قحف، بی‌تا، ص ۳۵). به علاوه، عقد جعاله، عقدی معوض و رضایی است، قرارداد گارانتی نیز همین اوصاف را دارد. در جعاله و گارانتی اجرت فقط پس از تحقق نتیجه مقصود فابل پرداخت است و در صورت عدم تحقق نتیجه، قابل مطالبه نیست.

آثار عملی توصیف

تحلیل گارانتی در قالب جعاله خاص آثاری را در پی دارد، تعهد عامل در عقد جعاله تعهد به نتیجه است؛ بنابراین، تا حصول نتیجه به شکل مطلوب استحقاقی نسبت به دریافت جعل ندارد. در قرارداد گارانتی نیز گارانتی‌دهنده صرفاً در صورت تعویض کالا یا اصلاح آن حق دریافت مبلغ معهود در قرارداد را دارد. همچنین، اگر قرارداد گارانتی از مصداق‌های جعاله خاص باشد، عقدی جایز است؛ بنابراین، گارانتی‌دهنده و گارانتی‌گیرنده می‌توانند به دلخواه عقد را بر هم زنند و از اجرای تعهدات قراردادی خودداری کنند. صرف‌نظر از اختلافاتی که در ماهیت جعاله دیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۸؛ شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰) که می‌تواند به گارانتی نیز تسری پیدا کنند، تبیین ماهیت جعاله در این مورد مؤثر است.

ارزیابی نظر

به نظریه جعاله‌بودن گارانتی انتقادهایی وارد شده است: الف) جعاله عقدی جایز است و هر یک از متعاقدين به دلخواه حق برهم‌زدن عقد را دارند، لیکن در قرارداد گارانتی بنای طرفین قرارداد این است که هیچ‌یک از طرفین حق فسخ یک‌جانبه عقد را نداشته باشد.

ب) در صورت انتقال مال مورد گارانتی به شخص ثالث، وی قائم مقام گیرنده مال است و

می‌تواند از مزایای گارانتی بهره‌مند شود. در حالی که در عقد جعاله، فقط عامل در برابر جاعل مسئولیت دارد و حتی می‌توان گفت در صورت انتقال مال موضوع جعاله از سوی جاعل، جعاله به دلیل بلا موضوع بودن منفسخ می‌شود.

ج) عامل پس از اجرای تعهد می‌تواند جعل را مطالبه کند ولی در قرارداد گارانتی، گارانتی‌گیرنده معمولاً در حین انعقاد عقد مبلغی را از گارانتی‌گیرنده دریافت می‌کند.

د) در عقد جعاله، جاعل مشخص است و عامل نامعلوم است. اما در قرارداد گارانتی خلاف این مسئله وجود دارد، گارانتی‌دهنده معلوم و گارانتی‌گیرنده نامعلوم است.

ه) در عقد جعاله، عامل بی‌قید و شرط ملتزم به انجام عملی می‌شود (مثل پیدا کردن گمشده جاعل) اما التزام گارانتی‌دهنده مطلق نیست، بلکه مشروط به وقوع امری (بروز نقض در دوران گارانتی) است.

بیمه

به منظور تبیین ماهیت حقوقی گارانتی، بعضی قرارداد بیمه را پیشنهاد کرده‌اند. ابتدا مفاد نظریه، سپس آثار عملی توصیف را ذکر می‌کنیم. در نهایت، انتقادهای وارد بر نظریه را تحلیل می‌کنیم.

مفاد نظریه

تحلیل قرارداد گارانتی در قالب قرارداد بیمه به این صورت است که قرارداد گارانتی، بیمه وسایل و تجهیزات مورد معامله می‌باشد که به موجب آن، شرکت گارانتی‌دهنده به عنوان بیمه‌گر، را به اصلاح کالای معیوب و تبدیل آن متعهد می‌کند و در برابر این تعهد، از بیمه‌گذار (گارانتی‌گیرنده) حق بیمه دریافت می‌کند. مسئله‌ای که این اندیشه‌ای را تقویت می‌کند، احتمالی بودن قرارداد بیمه و نامعلوم بودن کیفیت اجرای آن است. مسائل مزبور در قرارداد گارانتی نیز مشاهده می‌شود. به علاوه، در قرارداد بیمه، بیمه‌گر تضمین می‌کند در صورت بروز حادثه احتمالی خسارت را جبران کند. در قرارداد گارانتی نیز گارانتی‌دهنده تضمینی مشابه می‌دهد. برخورداری از خدمات بیمه توسط بیمه‌گذار محدود به مدت زمانی خاص است، در قرارداد گارانتی نیز گارانتی‌گیرنده طی

زمان خاص می‌تواند از مزایای گارانتی بهره‌مند شود. علاوه بر این، در قرارداد گارانتی مانند عقد بیمه، گارانتی‌دهنده مبلغی را به عنوان گارانتی دریافت می‌کند، حتی اگر عیب و نقص در مدت گارانتی در کالا ایجاد نشود. هر دو عقد لازمند. در هر دو عقد تعهدات بیمه‌گر و گارانتی‌دهنده همه حالت‌های عیب و نقص، و همه خسارت‌ها را شامل نمی‌شود.

آثار عملی توصیف

تحلیل قرارداد گارانتی در قالب عقد بیمه آثاری را در پی دارد، از جمله این آثار می‌توان به لازم‌بودن عقد بیمه اشاره کرد، به طوری که گارانتی‌دهنده و گارانتی‌گیرنده نمی‌توانند به طور یک‌جانبه و به دلخواه قرارداد را بر هم زده و از اجرای تعهدات قراردادی خودداری کنند. به علاوه، با توجه به اعتبار قرارداد بیمه براساس حقوق موضوعه، بسیاری از اشکالات قرارداد گارانتی از قبیل احتمالی بودن این عقد، وجود غرر و انحصار عقود به عقود خاص برطرف می‌شود.

ارزیابی نظر

بر نظریه بیمه‌بودن گارانتی انتقاداتی وارد است:

الف) اشکال چنین تحلیلی این است که اخص از مدعی است، به طوری که چنین تحلیلی فقط دربرگیرنده گارانتی اصلاح کالا است و نه گارانتی تبدیل و تعویض کالا؛ به عبارت دیگر، در قرارداد بیمه، بیمه‌گر به جبران خسارت متعهد می‌شود، در حالی که در قرارداد گارانتی، گارانتی‌دهنده علاوه بر جبران خسارت (اصلاح کالا)، به تبدیل و تعویض کالای معیوب نیز متعهد می‌شود (جوهری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰).

ب) ارائه‌دهندگان گارانتی به طور معمول، تولیدکنندگان کالا هستند لیکن، بیمه ممکن است از سوی هر شخص واجد صلاحیتی ارائه شود. به عبارت بهتر، بیمه‌گر معمولاً شخصی غیر از تولیدکننده و فروشنده است.

ج) گارانتی معمولاً از تاریخ تحویل دستگاه به خریدار آغاز می‌شود ولی در بیمه چنین امری بستگی به توافق طرفین قرارداد دارد. این باعث می‌شود بیمه کالا تا پایان عمر آن بارها اتفاق بیفتد.

د) پرداخت خسارت توسط بیمه به صورت وجه نقد است و سقف پرداخت متناسب با قرارداد است، ولی در گارانتی به جز موارد استثنا، هر قطعه با ارزشی مشمول تعهد گارانتی دهنده است.

عقد مستقل

مذاقه در طبیعت و ماهیت حقوقی گارانتی، حاکی از وجود ماهیتی ویژه است. در واقع، در چنین عقدی گارانتی دهنده دو تعهد را بر عهده می‌گیرد، تعهد به تبدیل کالای معیوب و تعهد به اصلاح آن. یکی از دو تعهد مزبور به طور معمول، قائم مقام تعهد دیگر می‌شود. به گونه‌ای که در صورت بروز نقض در کالای مورد معامله، یا نقض مزبور قابل رفع است و یا این که قابل رفع نیست و باید کالا تعویض شود. پس غیرممکن است که اجرای دو تعهد در یک قطعه خاص در کنار یکدیگر قابل اجرا باشد، و کالا قابل اصلاح و هم قابل تبدیل شود مگر توافق جدید واقع شود. به علاوه، قالب‌های مندرج در قانون مدنی با عنوان عقود معین، به هیچ وجه پاسخگوی تعهدات مطرح شده در قرارداد گارانتی نیست، به عبارت دیگر، قرارداد گارانتی نمی‌تواند در پوشش عقود مندرج مانده‌ی خاص و بیمه تحلیل شود و به نظر می‌رسد از مصداق‌های قراردادهای خصوصی ماده ۱۰ ق.م. است. مسائلی که این امر را تقویت می‌کند ویژگی‌های این عقد است که در عقود مشابه هم‌تا ندارد، برای مثال گارانتی‌گیرنده طی مدت زمانی خاص می‌تواند از مزایای گارانتی بهره‌مند شود و مزایای مزبور فقط در صورت امکان نقص و عیبی خاص، که البته ممکن است ایجاد نشود، برقرار می‌شوند. اگر مدت پایان برسد و عیب جدید حادث نشود، قرارداد گارانتی تمام می‌شود. به علاوه، میزان تعهدات گارانتی‌دهنده و میزان مصالح لازم برای اصلاح کالا و تبدیل آن مجهول است....، بنابراین، عدم امکان انطباق قرارداد گارانتی در قالب عقود معین اندیشه تحلیل آن در قالب اصل آزادی قراردادی و ماده ۱۰ قانون مدنی را تقویت می‌کند. البته پذیرش این تحلیل، موجب می‌شود قرارداد گارانتی عقدی مشروع و معتبر باشد بی‌آنکه آثار و احکام خاص عقود معین را داشته باشد. شایان ذکر است برخی صاحب‌نظران نیز گارانتی را عقدی مستقل و متمایز از عقود و قراردادهای دیگر می‌دانند (ترابی، بی‌تا، ص ۵).

نتیجه گیری

از مجموعه مباحث مطرح شده در نوشتار نتیجه گیری می شود:

۱. شرط گارانتی از نظر ماهیتی، شرطی فعل است که درباره مشروعیت آن تردیدی نیست. این امر از طریق ادله عام و جوب وفای به شرط و اطلاعات و عموماً صحت شروط قابل استنباط است. درباره غرری بودن شرط مزبور، به دلیل نامعلوم بودن کیفیت اجرای تعهد و نامعلوم بودن دفعات تعمیر و اصلاح کالا مسائلی مطرح شده است، لیکن به نظر می رسد که تردیدهای مزبور را باید از ذهن زدود، شرط اصلاح و تعویض کالا در صورت بروز عیب، شرطی متعارف و عقلایی است و نامعلوم بودن امکان بروز نقص در کالا، اعتبار شرط مزبور را کم نمی کند. قانون نیز جهل مزبور را موجب بطلان نمی داند، همان گونه که در برخی عقود مانند بیمه یا جعاله، جهل درباره کیفیت اجرای تعهد به ساختمان عقد آسیب نمی زند.

۲. درباره فلسفه ارائه گارانتی، دو دیدگاه مطرح است، اول، صدور گارانتی به معنای شرط تضمین سلامت کالا است و فروشنده با ارائه گارانتی، صحت و سلامت کالا را برای مدت زمان معین ادعا می کند. دوم، ارائه گارانتی به معنای اقرار ضمنی به امکان بروز عیب است و آمادگی برای جبران خسارت وارده، با تعویض یا اصلاح کالا است. به نظر می رسد هر دو نظر قابل انتقاد است و فلسفه ارائه گارانتی جلب مشتریان است.

۳. با بررسی دیدگاهها و نظرهای مختلف درباره ماهیت حقوقی قرارداد گارانتی و تحلیل عقود متعددی که ماهیتاً قابلیت انطباق با این قرارداد را دارند، همچنین، مذاقه در طبیعت و ویژگی های خاص این قرارداد و بررسی آرای صاحب نظران معاصر، درباره ماهیت حقوقی قرارداد گارانتی به نظر می رسد تحلیل این قرارداد بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده صحیح باشد. این امر نتیجه عدم انطباق قرارداد مزبور با عقود جعاله خاص و بیمه است زیرا. در عقد جعاله، لزومی به قید مدت وجود ندارد، در حالی که در قرارداد گارانتی عنصر زمان، عنصری اساسی و ضروری است. جایز بودن عقد جعاله و امکان برهم زدن آن موجب عدم انطباق آن بر قرارداد گارانتی می شود. علاوه بر این، تحلیل قرارداد گارانتی در قالب بیمه با این ایراد مواجه است که

چنین تحلیلی فقط گارانتی تبدیل و تعویض کالا را دربرمی‌گیرد و شامل گارانتی اصلاح کالا نمی‌شود. به علاوه، قرارداد گارانتی خصایص ویژه‌ای دارد که موجب عدم انطباق آن با عقد بیمه می‌شود. شایان ذکر است با توجه به ترویج گارانتی در کشورمان، ضرورت تدوین مقرراتی جامع و مفصل در این زمینه لازم و ضروری است. البته مقنن می‌تواند گارانتی را در برخی قراردادهای یا نسبت به بعضی کالاها اجباری کند.



منابع و مأخذ

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *فلسفه حقوق مدنی*. جلد دوم، تهران، گنج و دانش، چاپ اول.
۲. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۶). «مقایسه مقررات مربوط به خیار عیب در فقه، قانون مدنی، حقوق اروپایی، و حقوق فرانسه». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳، دوره ۳۷، صفحات ۱۵۳-۱۲۷.
۳. زندی، محمدرضا (۱۳۹۰). *رویه قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران در امور مدنی*. تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. ——— (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۶. ——— (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی*. جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ نهم.
۷. ——— (۱۳۸۷). *حقوق مدنی، معاملات معوض عقود تملیکی*. جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.
۸. ——— (۱۳۸۱). *مسئولیت ناشی از عیب تولید*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۹. ——— (۱۳۸۷). *درس‌هایی از عقود معین*. جلد اول، تهران، گنج و دانش، چاپ دوم.
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *آثار قراردادها و تعهدات*. تهران، مجد، چاپ سوم.
۱۱. شه‌وری، احمد (۱۳۸۷). *فرهنگ جامع اصطلاحات حقوقی*. تهران، شه‌وردی، چاپ اول.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران، راه رشد، چاپ اول.
۱۳. الرازی، ابی‌بکر بن عبدالقادر (بی‌تا). *مختار الصحاح*. مصر، بی‌نا، چاپ اول.
۱۴. جواهری، حسن (۱۳۷۹). «عقود الصیانه و تکلیفها الشرعی». *فصل‌نامه الفکر اسلامی*، شماره ۲۶، دی ماه، صفحات ۱۵۳-۱۲۳.

۱۵. الزحیلی، وهبه (۱۴۳۰ ه.ق). *قضايا الفقه والفكر المعاصر*. جلد اول، دمشق، دارالفکر، چاپ سوم.

۱۶. تراپی، مرتضی، *عقد الصیانه*، <http://www.hawaz.net>

۱۷. الفیومی، احمد بن علی بن محمد المقرئ (بی تا). *المصباح المنیر فی الغریب الشرح الکبیر*. جلد اول، الیمینیه.

۱۸. قحف، منذر. *عقد الصیانه*. برگرفته از Pdf <http://monzar.kahap.com>

۱۹. لسالوس، علی احمد (۱۴۲۹ ه.ق). *فقه البیع و الاستیثاق و التطبيق المعاصر*. الدوحه، دارالثقافه، چاپ هفتم.

20. Calamari, John.D; Perillo Joseph (2007). *The law of contracts*. 15 ed, US., West publishing co.
21. Hornby, Albert Sydney (1999). *Oxford advanced learner's dictionary*. 15 ed, London, Oxford: OUP.
22. Mainguy, Daniel (2008) . *Contrats Speciaux*. 8ed, Paris, DALLOZ.
23. Le Tourneau, Phillipe (2011). *Droit Dela Responcibility Edes Contrats*. Paris, DALLOZ.
24. Monahan. Geoffrey (2001). *Essential contract law*. 2ed, London, Covedish publishing limited.
25. Markeslnis, S.B; Hannes, Unberath; Angus, Jognston (2006). *The German law of contract*. 2ed, US, Hart publishing.
26. Stone, Richard (2002). *The modern law of contract*. 15ed, London, Cavendish publishing limited.
27. Stone, Richard (2003). *Contract law*. 15ed, London, Cavendish publishing limited.
28. Edwin, Peel.(1995), "The law of contract", 9ed, , London, Sweet 8 Maxwell.